



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۲۱



نوشته، ترجمه و گردآوری: سیلانی

ذکر سکه میرویس خان هوتکی در گزارش‌های دولت عثمانی

مقدمه

بحث درباره این‌که آیا میرویس خان هوتکی به نام خود سکه ضرب کرده بود یا خیر، از موضوعات مهم در تاریخ سیاسی افغانستان و مطالعات مربوط به زوال دولت صفوی به‌شمار می‌رود. اهمیت این موضوع تنها در وجود یا عدم وجود یک سکه خلاصه نمی‌شود، بلکه به مسئله مشروعیت سیاسی، استقلال قندهار، و چگونگی ظهور قدرت هوتکیان در آغاز قرن هجدهم میلادی ارتباط مستقیم دارد. در سنت سیاسی جهان اسلام، «خطبه» و «سکه» از نشانه‌های مهم حاکمیت و اقتدار مستقل دانسته می‌شدند؛ از همین رو، هر گزارشی که از ضرب سکه به نام میرویس خان سخن بگوید، باید با دقت تاریخی، سندشناسی و احتیاط علمی بررسی شود.

چندی پیش، در یکی از نوشته‌های محترم عبدالباری جهانی، درباره سکه میرویس هوتکی یا «ضرب سکه» خواندم. جناب جهانی در واکنش به ادعای استاد معصوم هوتک، که گفته بود: «فلانی برایم گفته بود که میرویس نیکه به نام خود سکه ضرب کرده بود»، می‌نویسد که تاریخ بر بنیاد «به من گفته شد» و «برای تو گفته شد» و سخنان شفاهی نوشته نمی‌شود، بلکه باید منابع مستند ارائه گردد. این دیدگاه جناب جهانی بجا و علمی است. مباحث علمی بر مستندات، مشاهدات، آزمایش‌ها و واقعیت‌ها استوار می‌باشد؛ اگر بر این بنیادها استوار نباشد، به روایت شفاهی و گفته‌های اسطوره‌ای تبدیل می‌شود.

این موضوع در ذهنم مانده بود و با خود می‌گفتم که روزی در فرصت مناسب درباره آن خواهم نوشت. در آغاز می‌خواهم به‌گونه روشن بگویم که این نوشته در پی داوری قومی، قبیله‌ای یا احساسی نیست، بلکه هدف آن بررسی یک مسئله تاریخی بر بنیاد منابع بیرونی و قابل ارجاع است. این‌که مؤرخان داخلی یا افغان درباره سکه میرویس خان چه گفته‌اند یا نگفته‌اند، موضوع اصلی این بحث نیست. تمرکز این نوشته بر چند منبع بیرونی است که به زبان‌های ترکی و انگلیسی نوشته شده‌اند و در آن‌ها از ضرب سکه به نام میرویس خان هوتکی یادآوری شده است.

گزارش اورهان یازیچی درباره سکه میرویس خان

نخستین منبع مهم در این بحث، مقاله مؤرخ ترکی و استاد دانشگاه اینونو، اورهان یازیچی (Prof. Dr. Orhan Yazıcı) است. او درباره تاریخ افغانستان، به‌ویژه رخدادهای قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی، نوشته‌ها و پژوهش‌های متعددی دارد. مقاله مورد نظر او با عنوان ترکی «Safevî Hanedanlığı'nın Çöküşünde Afğan Aşiretlerinin Rolü» یعنی «نقش قبایل افغان در فروپاشی سلسله صفوی» در مجله Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi / The Journal of International Social Research، جلد ۹، شماره ۴۷، در دسامبر ۲۰۱۶ نشر شده است. یازیچی در این مقاله نقش غلجایی‌ها و ابدالی‌ها را در فروپاشی دولت صفوی بررسی کرده و در جریان بحث از استقرار قدرت میرویس خان در قندهار، به موضوع ضرب سکه به نام او اشاره می‌کند.

متن اصلی ترکی مقاله چنین است:

«Safevîler tarafından rahatsız edilmeden, Kandahar ve çevresinde otoritesini tam manasıyla tesis eden Mir Üveys Han, adına sikke bastırıp, "Adil Şah Âlem" unvanını kullanmaya başladı. 1709-1715 yılları arasında hâkimiyeti altındaki Kandahar ve çevresini büyük bir maharetle idare eden Mir Üveys Han, Kasım 1715'te Kandahar'da öldü ve Kohkran'da defnedildi» (Yazıcı, 2016, s. 316).

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ترجمه این عبارت چنین است: «میرویس خان، بدون آنکه از سوی صفویان مزاحمت شود، پس از آنکه اقتدار خود را در قندهار و پیرامون آن به‌طور کامل استوار ساخت، به نام خود سکه ضرب کرد و به استفاده از لقب «عادل شاه عالم» آغاز نمود. میرویس خان در سال‌های ۱۷۰۹ تا ۱۷۱۵ میلادی، قندهار و اطراف آن را که زیر حاکمیتش قرار داشت، با مهارت بسیار اداره کرد و در نوامبر ۱۷۱۵م در قندهار وفات یافت و در کوکران دفن شد.»

اهمیت این عبارت در آن است که نویسنده تنها از استقلال سیاسی میرویس خان سخن نمی‌گوید، بلکه از یکی از مهم‌ترین نشانه‌های حاکمیت در سنت سیاسی اسلامی، یعنی ضرب سکه، یاد می‌کند. در فرهنگ سیاسی جهان اسلام، خواندن خطبه و ضرب سکه از نشانه‌های مهم اقتدار و مشروعیت سیاسی به‌شمار می‌رفت. بنابراین، گزارش یازجی نشان می‌دهد که میرویس خان پس از بیرون‌کردن قدرت صفوی از قندهار، تنها در مقام یک رهبر قبیله‌ای باقی نماند، بلکه نشانه‌های حاکمیت مستقل را نیز به کار گرفت. عبارت ترکی «adına sikke bastırıp» به‌صورت روشن به معنای «به نام خود سکه ضرب کرد» است و عبارت «Adil Şah Âlem unvanını kullanmaya başladı» به معنای «به استفاده از لقب عادل شاه عالم آغاز نمود» می‌باشد.

یازجی برای این ادعا به پاورقی شماره ۲۶ مقاله استناد می‌کند. در این پاورقی، او گزارش بدردین‌زاده میرلیوا علی‌بیگ را نقل می‌کند. متن پاورقی چنین است:

«Bu durumu rapor eden Mirliva Ali Beğ, "Mir-i mezkûr, hazine-i vâfire ve emval-i mütekâsire ve Kal'a-i merkûme havalisinde olan kila'ü bukaa' ve kaza vü nevahiye ve cemiyet-i kesireye malik olmağın, diden-i mülûk ve meslek-i saltanata sülûk edüp, sikke-zed-i dirhem ve "Dâr-i Karar-i Kandahar, Han-ı 'Adil Şah-i 'Alem Mir Üveys-i Nâmdâr" elkaabiyle, darb-i derâhim ü denânîr eyledi." diyerek, Mir Üveys'in adına sikke bastırıldığını ve "Şâh 'Alem" unvanını kullanmaya başladığını ifade etmektedir» (Yazıcı, 2016, s. 316, dipnot 26).

ترجمه پاورقی چنین است: «میرلیوا علی‌بیگ، که این وضعیت را گزارش کرده است، می‌گوید: «میر یادشده، چون دارای خزانه فراوان، اموال بسیار، قلعه‌ها، آبادی‌ها، قضاها، نواحی و جمعیت بسیار در پیرامون قلعه مذکور گردید، راه و رسم پادشاهان را دید و در مسیر سلطنت گام نهاد؛ پس بر درهم سکه زد و با لقب‌های 'دار قرار قندهار، خان عادل، شاه عالم، میرویس نامدار'، درهما و دینارها ضرب کرد.» یازجی سپس توضیح می‌دهد که علی‌بیگ با این عبارت، ضرب سکه به نام میرویس خان و آغاز استفاده او از لقب «شاه عالم» را بیان کرده است.»

عبارت منسوب به سکه در پاورقی مقاله چنین آمده است: «Dâr-i Karar-i Kandahar, Han-ı 'Adil Şah-i 'Alem Mir Üveys-i Nâmdâr». «دار قرار قندهار، خان عادل، شاه عالم، میرویس نامدار.» معنای آن چنین است: «قندهار، دار قرار و استقرار؛ خان عادل، شاه عالم، میرویس نامدار.» این عبارت از نظر تاریخی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که در گزارش عثمانی، میرویس خان نه تنها به‌عنوان رهبر محلی قندهار، بلکه با القاب سلطنتی و سیاسی معرفی شده است.

با دقت در پاورقی مقاله روشن می‌شود که اورهان یازجی این موضوع را از گزارش بدردین‌زاده میرلیوا علی‌بیگ نقل کرده است. منبعی که یازجی در پاورقی آورده چنین است، Bedreddînzâde Mirliva Ali Beğ, "Kaa'im: H.117-1135 (1705-1723)", نشر M. F. Kirzioğlu, Ata.ÜEFAD, شماره ۷، چاپ جداگانه، آنکارا، صفحه ۱۰۷. بنابراین زنجیره نقل چنین است: نخست، میرلیوا علی‌بیگ این گزارش را درباره حوادث قندهار، افغان‌ها و فروپاشی قدرت صفوی نوشته است؛ سپس M. F. Kirzioğlu این گزارش را در سال ۱۹۷۵ نشر و توضیح کرده است؛ و در مرحله بعد، اورهان یازجی در مقاله خود از همان نشر استفاده کرده و موضوع سکه‌زدن میرویس خان را بر بنیاد آن گزارش آورده است.

بدردین‌زاده میرلیوا علی‌بیگ یک صاحب‌منصب نظامی - اداری عثمانی در اوایل قرن هجدهم بود. در نام او، «میرلیوا» نام شخص نیست، بلکه یک رتبه نظامی عثمانی است که تقریباً معادل مقام بلند نظامی یا سررتیب دانسته می‌شود. نام اصلی او علی‌بیگ و «بدردین‌زاده» نسبت خانوادگی اوست. اهمیت او برای بحث سکه میرویس خان در این است که او از دید یک منبع عثمانی، اوضاع قندهار و قدرت‌گیری میرویس خان را گزارش کرده و به‌صورت صریح نوشته است که میرویس خان پس از به‌دست‌آوردن خزانه، قلعه‌ها، نواحی و جمعیت بسیار، راه سلطنت را در پیش گرفت و به نام خود درهم و دینار ضرب کرد.

بر بنیاد این گزارش، می‌توان گفت که مقاله اورهان یازیچی یکی از منابع مهم ترکی معاصر درباره گزارش تاریخی ضرب سکه به نام میرویس خان هوتکی است. با این حال، از نظر روش‌شناسی باید میان «گزارش تاریخی ضرب سکه» و «اثبات سکه‌شناسی مادی» فرق گذاشت. مقاله یازیچی و گزارش علی‌بیگ، خبر ضرب سکه و عبارت منسوب به آن را نقل می‌کنند؛ اما تصویر سکه، وزن، فلز، قطر، سال دقیق ضرب و محل نگهداری نمونه فیزیکی آن را ارائه نمی‌کنند. بنابراین، این منبع برای اثبات وجود گزارش تاریخی درباره سکه میرویس خان بسیار مهم است، ولی برای اثبات نهایی سکه‌شناسی، نیاز به یافتن نمونه مادی یا ثبت موزیمی/کاتالوگی مستقل همچنان باقی می‌ماند.

گزارش رساله دکترای درباره دُرّی احمد افندی و سکه میرویس خان

منبع دوم که در آن از ضرب سکه به نام میرویس خان یادآوری شده، رساله دکترای Muhammet Habib Saçmalı با عنوان *Sunni-Shiite Political Relations in the First Half of the Eighteenth Century and Early Modern Ottoman Universal Caliphate* در ۲۰۲۱ در رشته تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا، دیویس نوشته شده است. در این رساله، موضوع ضرب سکه به نام میرویس خان هوتکی در چارچوب بررسی گزارش دُرّی احمد افندی (Dürri Ahmed Efendi) درباره اوضاع ایران صفوی مطرح می‌شود. این بحث در فصل دوم رساله، زیر عنوان «A.2.1.3. Being Cautious about Military Developments» نویسنده در این بخش نشان می‌دهد که دولت عثمانی، هرچند در آن زمان قصد حمله مستقیم به صفویان را نداشت، اما نسبت به تحولات نظامی و سیاسی ایران بی‌تفاوت نبود. به همین سبب، گزارش‌ها و مشاهدات دُرّی احمد افندی درباره وضعیت ایران، قدرت نظامی صفویان و گروه‌های شورشی اهمیت ویژه داشت.

دُرّی احمد افندی (Dürri Ahmed Efendi) یکی از مأموران و فرستادگان عثمانی در اوایل قرن هجدهم بود که در سال‌های ۱۷۲۰-۱۷۲۱م به دربار صفوی فرستاده شد. مأموریت رسمی او آگاهی‌دادن دولت صفوی از موضوعات مربوط به روابط سیاسی و تجارتی عثمانی بود؛ اما در کنار آن، مأموریت مهم دیگر او مشاهده و گزارش وضعیت داخلی ایران صفوی بود. او در گزارش خود درباره وضعیت اقتصادی ایران، توان نظامی صفویان، قلعه‌ها، مهمات، مهارت سربازان قزلباش و همچنان گروه‌های شورشی ضد صفوی معلومات ارائه کرد. از نگاه تحقیق حاضر، اهمیت دُرّی احمد افندی در این است که او در میان گروه‌های شورشی، از غلجایی‌های افغان نیز یاد کرده و قدرت‌گیری آنان را از دوره میر اویس/میرویس خان تا حملات محمود هوتکی بر کرمان دنبال کرده است.

ساج مه له Saçmalı توضیح می‌دهد که دُرّی احمد افندی در بخش پایانی سفرنامه/گزارش خود، مشاهداتش را درباره ایران آورده بود. او نخست از وضعیت اقتصادی ایران سخن گفته و بحران برجسته‌ای در اقتصاد کشور گزارش نکرده بود؛ سپس به توان نظامی صفویان پرداخته و درباره شهرهای دارای قلعه، مهمات، گلوله‌های توپ و مهارت سربازان قزلباش در تیراندازی و تفنگ‌اندازی معلومات داده بود. پس از آن، دُرّی احمد افندی به گروه‌های شورشی ضد صفوی اشاره می‌کند و از سه گروه نام می‌برد: غلجایی‌های افغان، افغان‌های بهادرلی و لژی‌ها.

در میان این سه گروه، دُرّی افندی بیشتر درباره غلجایی‌های افغان سخن گفته است. او گزارش خود را از قیام غلجایی‌ها در دهه ۱۷۰۰ میلادی، زیر رهبری میرویس خان در قندهار، که پایگاه اصلی آنان بود، آغاز می‌کند و تا حملات بعدی آنان بر کرمان در شرق ایران، که به وسیله محمود، پسر میرویس خان، انجام شده بود، ادامه می‌دهد. نویسنده رساله تأکید می‌کند که دُرّی افندی تنها به قدرت نظامی غلجایی‌ها پرداخته، بلکه مهم‌تر از آن، به دگرگونی قدرت نظامی آنان به یک قدرت سیاسی مستقل در پانزده سال گذشته اشاره کرده است. این نکته از نگاه تاریخ سیاسی افغانستان و ایران اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که غلجایی‌ها از سطح یک نیروی شورشی و قبیله‌ای فراتر رفته و به صورت یک واحد سیاسی مستقل ظاهر شده بودند.

متن اصلی انگلیسی رساله در این باره چنین است:

“He stated that starting with Mir Uwais, the Ghilzai Afghans had called their leader’s name in the Friday khutba and minted coin, again in his name, demonstrating the Ghilzai Afghan’s emergence as an independent political unit similar to other ‘shah’s in the east” (Saçmalı, 2021, pp. 104–105).

ترجمه این عبارت چنین است: «او بیان کرد که از زمان میرویس، غلجایی‌های افغان نام رهبر خود را در خطبه جمع می‌خواندند و همچنان سکه را به نام او ضرب می‌کردند؛ امری که ظهور غلجایی‌های افغان را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل، همانند دیگر شاهان شرق، نشان می‌داد.»

اهمیت این عبارت در آن است که نویسنده، بر بنیاد گزارش دُرّی احمد افندی، دو نشانه مهم حاکمیت سیاسی اسلامی را در دوره میرویس خان برجسته می‌سازد: نخست، خواندن خطبه جمعه به نام رهبر؛ دوم، ضرب سکه به نام او. در سنت سیاسی جهان اسلام، خطبه و سکه برای قرن‌ها از نشانه‌های عمده مشروعیت و اقتدار سیاسی در یک قلمرو به‌شمار می‌رفتند. خود Saçmalı نیز در پاورقی توضیح می‌دهد که این دو عمل، یعنی خطبه و سکه، از شاخص‌های مهم اقتدار مشروع مسلمانان در سرزمین‌های زیر فرمانروایی حاکمان مسلمان بوده‌اند.

در ادامه، رساله عبارت منسوب به نقش سکه را نیز نقل می‌کند. متن انگلیسی نویسنده چنین است: “The inscription on the coins was ‘The renowned Mir Uwais who is a just ruler and shah of the world, / Had sealed the coin in Kandahar, the abode of constancy.’” «کنیه روی سکه‌ها چنین بود: میرویس نامدار، که فرمانروای عادل و شاه جهان است، در قندهار، دار قرار و پایداری، سکه را مهر/ضرب کرد.» این ترجمه انگلیسی در رساله، بلافاصله پس از بحث خطبه و سکه آمده و نشان می‌دهد که نویسنده، عبارت سکه را به‌عنوان شاهد ظهور سیاسی غلجایی‌ها و استقلال میرویس خان مطرح کرده است.

در پاورقی شماره ۲۷۹، متن اصلی عبارت منسوب به سکه چنین نقل شده است: “Sikke zed ber dirhem dâr-ül karâr Kandeâr / Hân-ı âdil, Şâh-ı âlem Mir Üveys nâmdâr.” به خط فارسی/دری چنین است: «سکه زد بر درهم دارالقرار قندهار / خان عادل، شاه عالم، میرویس نامدار.» ترجمه روان آن چنین می‌شود: «بر درهم دارالقرار قندهار سکه زد؛ خان عادل، شاه عالم، میرویس نامدار.» این عبارت نشان می‌دهد که در گزارش عثمانی نقل‌شده، میرویس خان با القاب سیاسی و سلطنتی، مانند «خان عادل» و «شاه عالم»، معرفی شده است.

زنجیره نقل در این رساله چنین است: دُرّی احمد افندی در گزارش/سفرنامه خود درباره اوضاع ایران و گروه‌های شورشی، از غلجایی‌های افغان و قدرت‌گیری آنان سخن گفته است؛ راشد محمد افندی این گزارش را در اثر تاریخی خود با عنوان Târîh-i Râşid ve Zeyli آورده است؛ و Muhammet Habib Saçmalı، نویسنده رساله دکترا، این موضوع را از Târîh-i Râşid ve Zeyli، جلد دوم، صفحه ۱۲۶۸ نقل کرده است. بنابراین، در این رساله، گزارش ضرب سکه به نام میرویس خان از مسیر «دُرّی احمد افندی ← راشد محمد افندی ← Saçmalı» به دست ما رسیده است.

از نگاه روش‌شناسی تاریخی، ارزش این منبع در آن است که گزارش ضرب سکه به نام میرویس خان را از مسیر یک روایت عثمانی مستقل از گزارش میرلیوا علی‌بیگ تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، در کنار روایت بدردین‌زاده میرلیوا علی‌بیگ که اورهان یازیجی از آن استفاده کرده بود، این رساله نشان می‌دهد که گزارش دُرّی احمد افندی، به نقل راشد محمد افندی، نیز از خطبه و سکه به نام میرویس یاد کرده است. با این حال، باید میان «گزارش تاریخی ضرب سکه» و «اثبات سکه‌شناسی مادی» فرق گذاشت؛ زیرا این رساله متن و عبارت منسوب به سکه را نقل می‌کند، اما تصویر سکه، وزن، فلز، قطر، سال دقیق ضرب و محل نگهداری نمونه فیزیکی آن را ارائه نمی‌دهد. بنابراین، این منبع برای اثبات وجود گزارش تاریخی درباره ضرب سکه به نام میرویس خان بسیار مهم است، ولی برای اثبات نهایی سکه‌شناسی، هنوز نیاز به یافتن نمونه مادی یا ثبت معتبر موزیمی/کاتالوگی باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

بررسی دو منبع یادشده نشان می‌دهد که گزارش ضرب سکه به نام میرویس خان هوتکی تنها بر روایت شفاهی یا ادعای بی‌منبع استوار نیست، بلکه در دو مسیر مستقل عثمانی بازتاب یافته است. مسیر نخست، گزارش بدردین‌زاده میرلیوا علی‌بیگ است که اورهان یازیجی در مقاله خود از آن استفاده کرده و در آن تصریح شده است که میرویس خان پس از تثبیت قدرت در قندهار، به نام خود درهم و دینار ضرب کرد و لقب‌های «خان عادل» و «شاه عالم» را به کار برد. مسیر دوم، گزارش دُرّی احمد افندی است که از طریق Târîh-i Râşid ve Zeyli به رساله Saçmalı راه یافته و در آن نیز از خواندن خطبه و ضرب سکه به نام میر اوویس/میروویس خان سخن رفته است.

این همسویی دو روایت عثمانی از نظر تاریخی اهمیت فراوان دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که قدرت‌گیری میرویس خان در قندهار، در نگاه برخی منابع عثمانی، تنها یک شورش محلی یا قبیله‌ای تلقی نشده، بلکه نشانه‌های آشکار حاکمیت مستقل را با خود داشته است. در سنت سیاسی اسلامی، خطبه و سکه دو نماد عمده اقتدار مشروع بودند؛ از همین

رو، گزارش ضرب سکه به نام میرویس خان، اگرچه هنوز از نظر سکه‌شناسی مادی با نمونه فیزیکی تأیید نشده، از نظر تاریخ سیاسی نشانه‌ای مهم از استقلال عملی قندهار و شکل‌گیری اقتدار هوتکیان به‌شمار می‌رود.

با این همه، روش علمی ایجاب می‌کند که میان «گزارش تاریخی» و «اثبات مادی» فرق گذاشته شود. منابع بررسی‌شده خبر ضرب سکه و عبارت منسوب به آن را نقل می‌کنند، اما تصویر، وزن، فلز، قطر، سال ضرب و محل نگهداری نمونه فیزیکی سکه را ارائه نمی‌دهند. بنابراین، نتیجه دقیق این است که بر بنیاد منابع عثمانی و پژوهش‌های ترکی و انگلیسی معاصر، گزارش تاریخی ضرب سکه به نام میرویس خان هوتکی وجود دارد و این گزارش از اعتبار پژوهشی برخوردار است؛ اما اثبات نهایی سکه‌شناسی نیازمند یافتن نمونه مادی، ثبت موزیمی، یا کاتالوگ معتبر مستقل است. این نگاه هم ادعای تاریخی را نادیده نمی‌گیرد و هم از داوری شتابزده و غیرمستند جلوگیری می‌کند.

منابع

Yazıcı, O. (2016). Safevî Hanedanlığı'nın Çöküşünde Afgan Aşiretlerinin Rolü [The Role of Afghan Tribes in the Collapse of Safavid Dynasty]. Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi / The Journal of International Social Research, 9(47), 311–322.

لینک دریافت مقاله:

<https://www.sosyalarastirmalar.com/articles/the-role-of-afghan-tribes-in-the-collapse-of-safavid-dynasty.pdf>

Saçmalı, M. H. (2021). Sunni-Shiite Political Relations in the First Half of the Eighteenth Century and Early Modern Ottoman Universal Caliphate [Doctoral dissertation, University of California, Davis]. eScholarship.

لینک دریافت رساله:

https://escholarship.org/content/qt30z4f3js/qt30z4f3js_noSplash_f90495e23e3e73026b41e30a4d2a7592.pdf

Bedreddînzâde Mirliva Ali Beğ. (1975). Kaa'ime: H.117–1135 (1705–1723). M. F. Kırzioğlu. Atatürk Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Araştırma Dergisi, 7، چاپ جداگانه، آنکارا.

Râşid Mehmed Efendi. Târîh-i Râşid ve Zeyli. ۱۲۶۸، صفحه ۵ تر ۵.